

علی فتحی وکیل پایه یک دادگستری

توسط: علی فتحی وکیل پایه یک دادگستری

۲۵/۱۰/۱۳۹۰

((به نظر مدیر وبلاگ با وجود اینکه ایران به کنوانسیون منع توقیف اشخاص در مقابل بدهی و تعهدات مالی در سال ۱۳۵۲ ملحق و نماینده وقت ایران در هرحال آن را امضاء نموده است و از طرفی مطابق قاعده المفس فی امان الله و اینکه به نظر اگر هم حبس را برابر با فتوای برخی فقها و یا روایات صحیح بدانیم، اعسار مدیون را اگر قبل از اجرای حبس بپذیریم از تضرر دولت به معنای عام کلمه که هزینه های حبس به دولت و خانواده ها که بعضا غیر قابل جبران بوده و تحمیل میگردد و بعضا با بیکار شدن مدیون از کار در موضوع کارگران قراردادی... و طلاق با اجرای حبس مدیون اجتناب ناپذیر است و هم چنین ادای سوگند معاذالله به کذب به ناچار جهت رهایی محبوس علی الفرض محال اگر موردی هم که شده باشد می بایستی مد نظر قانونگذار قرار گیرد هر چند در دعوی مطالبه مهریه امکان اعسار قبل از محکومیت رویه شده در سایر دعاوی نیز با ایجاد وحدت رویه یا اصلاح قانون از موجبات تحمیل هزینه های مادی و معنوی کاسته شود.))

تعریف زندان

زندان در لغت نامه های فارسی:

فرهنگ معین کلمه زندان را چنین معنی میکند: جایی که متهمان و محکومان را در آن نگاه می دارند، بندی خانه، قید خانه- محبس

زندانی در اصطلاح حقوقی (قانون) و آیین نامه مصوب:

زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامهای صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معینی یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی (اصلاح و تربیت) نگهداری میشوند.

بازداشتگاه:

محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقامهای صلاحیت دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی میشوند.

تعریف شرعی و دینی زندان:

از آنجا که منابع دینی مثل قرآن و احادیث به زبان عربی هستند لذا برای بدست آوردن دیدگاه دینی در مورد زندان لازم است کلماتی که در مورد (زندان) به کار رفته مثل (محبس، محبس) بررسی شود.

در زبان عربی، واژه های زیاد و گوناگونی به معنی و مفهوم (زندان) دلالت دارد مثل: حبس، سجن، وقف، ایقاف، حصر، اثبات، اقرار، امساک و... لکن مشهورترین آنها، همان دو واژه، سجن و حبس میباشد. لذا به بررسی آن دو می پردازیم.

راغب در فرهنگ لغت قرآن خود به نام: مفردات القرآن میگوید: السجن: در زندان نگاه داشتن. و این کلمه در سوره یوسف آیات ۳۲-۳۴-۳۵-۳۶ به همین معنی به کار رفته است.

و در مورد لغت ((حبس)) راغب چنین میگوید: الحبس: مانع شدن از آمد و شد و این واژه در قرآن در همین معنی به کار رفته است. در آیه شماره ۱۰۶ سوره توبه چنین میفرماید: لحبسونها من بعد الصلوة ... (یعنی بعد از نماز از رفت و آمد آن دو نفر، مانع شوید تا سوگند یاد کنند که ... (به نقل از کتاب مبانی فقهی حکومت اسلام ص ۲۶)) و نیز حبس به معنای محلی که آب را در خود نگاه می دارد (یعنی آب انبار) گفته شده است. در فرهنگ لغت صحاح اللغة در مورد معنای کلمه ((حبس)) چنین آمده است. سجن با کسره یعنی: زندان و سجن با فتحه یعنی: مصدر و به معنای زندانی کردن می باشد.

در لغت نامه قاموس آمده است که: سجن با کسره یعنی، محبس و زندان. صاحب و مسوول آن را نیز سجان - زندان بان گویند. چنانکه سجنین (بر وزن جنین) فرد زندانی را گویند. به نقل از همان آدرس قبل .

از مجموع آنچه گفته شد، چنین به دست می آید که مفاد و مفهوم دو واژه: حبس و سجن، عبارت است از، محدود ساختن کسی و منع او از آمد و شد آزادانه و تصرفات آزادانه. لذا در کتاب چنین میگوید: زندان از نظر شرع، محبوس کردن در یک مکان تنگ نمیباشد بلکه عبارت است از اینکه: شخصی بازداشت شود و از تصرفات دلخواه و آزادانه، ممنوع گردد. خواه این بازداشت در خانه باشد یا در مسجد و چه از این طریق که فرد مورد نظر را، زیر سرپرستی اجباری خود، درآورد و یا اینکه وکیل یا ماموری را بر او بقمارند که در همه جا با او باشد و از او جدا نشود سبب است که در روایتی از رسول خدا (ص) زندانی را، اسیر نامیده است. بنابراین باید توجه داشت که در فرهنگ قرآن و شرع مقدسی و سنت نبوی (ص) حبس و زندان به معنای جای دادن مجرم و یا متهم در یک مکان تنگ و تاریک (سلول) نیست بلکه فقط به معنای بازداشت میباشد. یعنی از آمد و شد و تصرفات آزادانه او جلوگیری کردن نه بیشتر. کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی، ص ۴۳.

فلسفه پیدایش و ضرورت زندان (فلسفه وجود زندان):

مقدمه:

انسان موجود اجتماعی است و نیازهای گوناگون او، جز در سایه تعاون و همکاری با یکدیگر تامین نمیشود، از سوی دیگر، انسان خواسته و تمایلات فراوانی دارد که دوست دارد به همه آنها برسد و این کار عملا امکان پذیر نیست، لذا انسان اگر به حال خود رها شود و حوزه فعالیت های او محدود نگردد قطعاً اصطکاک و تصادم به وجود خواهد آمد، چرا که انسان با توجه به غریزی که در نهاد او وجود دارد دوست دارد دیگران را در جهت منافع خود استخدام و استثمار نماید و در نتیجه اجتماع انسان گرفتار هرج و مرج و نا امنی خواهد شد، و برای جلوگیری از نا امنی ضرورت وجود قانون در جامعه مطرح میگردد و بعضاً اجرای قانون موجب زندان میگردد، و ضرورت وجود زندان احساس میشود .

وبه بیان دیگر: نظام آفرینش بر پایه تقوا و پاکی استوار است، تطهیر و طهارت، صلح و صفا، حسن و جمال، جز جدایی ناپذیر نظام الهی است و اصولاً انسان بر اساس فطرت توحید و خداپرستی - که ریشه همه طهارت و پاکیزگی است - آفریده شده و همه سعی و تلاش انبیا و اولیا، راهنمایی انسان و جهت دادن به او در این مسیر خلاصه میشود. خالق این نظام، خود جامع و همه صفات کمال و جلال بوده و از صفات سلبی و منزه و از شرور و زشتی، جرم و گناه بیزار است اهل طهارت را به شدت دوست دارد.

نتیجه آنکه جرم و جنایت، گناه و معصیت، فساد و ضلالت و... همه ساخته و پرداخته دست بشر است. هوای نفس و تمایلات شهوانی و افسون طلبی انسان است که همه چیز را در انحصار خود قرار میدهد. و جامعه را به فقر و هلاکت میکشاند و در این راستا است که جرم و جنایت، خواسته و ناخواسته، رخ میدهد و برای اینکه جامعه از پیامد ها و تاثیرات آن مصون بماند چاره ای جز مقابله و بر خوردن قا نونی نیست وگرنه همانند میکروب و بیماری مسری همه را آلوده و مبتلا میسازد و در اینجاست که فلسفه وجودی قانون کیفری و جزایی، حبس و تعزیرات تبیین میگردد و در اثر اعمال و اجرای آن موضوع (زندان) مطرح میگردد.

در کتاب پژوهشی درباره زندان باقی اسلامی به نقل از: مقدمه ای بر مقررات و احکام زندان در اسلام نوشته حضرت ایت اله ناصر مکارم شیرازی، چنین میگوید: پیدایش زندان ظاهرا از سه امر سر چشمه گرفته است: (۱) عشق انسان به آزادی و اینکه سلب آزادی شکنجه ای درد ناک برای آدمی محسوب میشود و لذا برای تنبیه و مجازات آنان از زندان (سلب آزادی) استفاده کردند.

(2) برای جلوگیری از ضرر رساندن به مردم و جامعه (دفع شر)

(3) جلوگیری از فرار مجرم اصلی (مکتب اسلام. سال ۶۴ - شماره یک - ص ۱۴)

مشروعیت زندان از نظر اسلام:

آیا نظام اسلامی میتواند دارای زندان باشد؟

مسلم است که از روزگاران قدیم بشر جایی را برای ضبط عناصر شرور و حفظ افراد جامعه از شرارت آنها، اختصاص میداده است. در قوانین کیفری اسلام. ضمن اینکه برای جلوگیری از و حمایت جامعه در مقابل شرارت افراد شرور از راههای دیگر استفاده شده است. به حکم ضرورت عقوبت زندان نیز به عنوان کیفر ثانوی و به طور فی الجمله پذیرفته شده و به رسمیت شناخته شده است. اما زندان با آن طول و تفصیل که در دنیای بشریت معمول بوده و مورد پذیرش اسلام نیست زیرا اسلام زندان با آن را نه تنها مفید و سودمند به حال اجتماع نمیداند بلکه زیان آور هم تشخیص داده است. (مقدمه کتاب احکام زندان در اسلام)

دلایل مشروعیت:

هر حکم شرعی و دینی، دست کم باید به یکی از چهار منبع (قرآن-سنت-اجماع-عقل) مستند باشد و در غیر این صورت فاقد اعتبار است.

برای اثبات مشروعیت زندان در قرآن آیه های ذیل استفاد شده است:

1. آیه ۴۳ از سوره مایده: (کسانی که با خدا و پیامبر او می ستیزند و در زمین به فساد و تبهکاری می کوشند سزای آنها، جز این نیست که کشته شوند یا به دار مجازات آویخته شوند و یکی از دستها و پاهایشان به عکس یکدیگر بریده شوند و یا از آن سرزمین (نفی) شوند. بیشترین مفسرین قرآن کلمه (نفی) را در این آیه شریفه به معنای حبس و زندان گرفته اند چنانکه در برخی از روایات نیز این آیه به همین معنی تفسیر شده (برای نمونه به تفسیر مجمع البیان جز ۳ ص ۱۸۸ و به وسایل الشیعه ج ۱۸ ص ۵۳۶ باب ۱ از ابواب حد مهارت حدیث ۸ مراجعه شود) با این حال بیشتر بزرگان امامیه و فقهای دینی به حبس و زندان فتوا نداده اند بلکه تبعید را ذکر کرده اند پس نفی من الارض به معنای زندان باشد مورد اشکال است مگر اینکه نفی به معنای حد شرعی نباشد بلکه از مصادیق تعزیر باشد. (مبانی ص ۳۷)

دومین آیه ای که برای مشروعیت زندان به آن استدلال شده، آیه ۱۵ از سوره نساء است. (در مورد آن دسته از زنان شما که مرتکب فحشاء میشوند) (برای اثبات جرمشان) (چهار گواه عادل از بگیرید اگر چهار مرد بر فحشاء آنان گواهی دارند آنان را در خانه ها نگهدارید (امساک کنید) تا مرگشان فرارسد و یا اینکه خداوند در آینده برای آنان راه دیگری قرار دهد.))

مفسرین قرآن و فقها واژه ((امساک)) را در این آیه به معنای حبس و زندان گرفته اند.

سومین آیه ای که درباره زندان وجود دارد آیه ۱۰۶ از سوره مایده می باشد.

((ای کسانی که ایمان آوردید آن وقتی که مرگ شما فرا رسد، از میان خودتان شاهد بگیرید، هنگامیکه وصیت میکنید و اگر در حال مسافرت هستید و شانه های مرگ آشکار شد) و مسلمانی همراه شما نبود (دو نفر از غیر مسلمین را شاهد وصیت خود قرار دهید و اگر در شهادت آن دو غیر مسلمان شک داشتید، آنان را بعد از نماز حبس کنید تا قسم بخورند که ما سوگند خود را به چیزی نفروسیم و گواهی خود را پنهان نمیکنیم و گرنه از جمله گناهکاران خواهیم بود.))

این آیه شریفه درباره دو نفر نصرانی به نامهای ((ابن بندی)) و ((ابن ابی مارتة)) نازل شده است. آنان همسفر شخصی به نام ((تمیم داری)) - مسلمان بودند که در راه گذشت و اموال خود را برای انتقال به ورثه به آن دو نفر سپرد. آنان برخی از اشیاء قیمتی را برداشته و بقیه را به ورثه رساندند. میان ورثه آن دو اختلاف افتاد برای قضاوت پیش رسول خدا، رفتند که این آیه نازل شد. (کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی ص ۲۶ پاورقی)

چهارمین آیه ای که برای مشروعیت زندان به آن استناد شده، آیه ۵ از سوره توبه است ((وقتی ماههای حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید بکشید و آنان را اسیر کنید و زندانی کنید در هر کمینگاه بر سر راه آنها بنشینید هر گاه توبه کنند و نماز بخوانند و زکات بپردازند آنها را رها سازید زیرا که خداوند آمرزنده و مهربان است.)) معنای ((واحصروهم)) در تفسیر این آیه (مجمع البیان) چنین میگوید (آنان را محصور کنید (این است که: آنان را زندانی کنید، اسیر و عید بگیرید یا از آنان دیه و غرامت مالی بگیرید. و نیز گفته شده که منظور از (محصور کردن) آنان این است که از دخول آنان به شهر مکه و نیز از رفت و آمد آزادانه در سرزمین های اسلامی مانع شوید.

مشروعیت زندان از نظر سنت معصومین (ع):

روایاتی که فی الجمله بر مشروعیت زندان دلالت دارند، فراوان هستند (تعدادشان مستفیض است) در اینجا چند نمونه از آنها را ذکر میکنیم.

1. در حدیث صبح (۱) عبد ابن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمود: ((مردی به حضور پیامبر آمد و گفت: من مادری دارم که هر کس به سوی او دست دراز کند، آن شخص را به خود میبندید و فرمود: او را زندانی کن، آن شخص گفت او را زندانی کردم ولی موثر واقع نشد حضرت فرمود: او را از دیدار دیگران باز دار و نگذار کسی بر او وارد شود آن شخص جواب داد این کار را کردم، اثری نداشته است حضرت فرمود: او را ببند چرا که تو نمی توانی اعمال نیک بالاتر از این در حق مادرت انجام بدهی که او را از محارم خدا باز بداري)) به نقل از وساتیل ج ۱۸ ص ۱۴ ع باب ۴۸ از ابواب الزنا حدیث (۱)

2. در روایت غیث ابن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) از پدرش نقل شده که آن (۱) منظور از حدیث (صیبح) حدیثی است که زنجیره سند آن بدون انقطاع به شخص معصوم از روایت نقل افراد امام عادل پیوند بخورد. (مبانی صوع حضرت فرمود: ((علی (ع) کسانی که بدهی خود پرداخت نمی کردند، زندانی می کرد آنگاه که تهیدستی و ورشکستگی بودن آن شخص، مشخص میشد، او را آزاد می کرد. تا برود و مالی بدست آوردت.

3. در حدیث موثقه عمار از امام صادق (ع) نقل شده که آن حضرت فرمود: مردی را به پیش امیر المومنین (ع) آوردند که کفیل مرد دیگری شده بود، آن حضرت او را زندانی کرد و فرمود: رفیققت را بیار. این اخبار و احادیث از باب نمونه ذکر شده است و این نوع روایات فراوان است و برای اطلاع از آنها میتوان به آدرس ذیل مراجعه کرد: کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی جلد ۴ بحث یازدهم ص ۱۴۱ مراجعه و نیز کتاب احکام زندان در اسلام ص ۹۶-۱۱۶

اجماع بر مشروعیت زندان:

برخی از فقهای صنفی و شافعی بر مشروعیت زندان، ادعای اجماع کرده اند، لکن با توجه به اینکه سالها زندان در کتابهای فقهی شیعه و اکثر کتابهای اهل سنت، به طور بطور مستقل مواج نبوده است، ولی با این حال باید گفت که: مساله ضرورت زندان و مشروعیت آن به اندازه ای روشن می باشد که از هر فقیه شیعه و سنی درباره آن سوال شده بناچار او به مشروعیت آن فتوا خواهد داد. ولی بعد از آنکه مشروعیت زندان از طریق قرآن و سنت معصومین (ع) ثابت شد- از نظر فقهای شیعه- دیگر نیازی به وجود اجماع نمیباشد و اجماع موضوعیت ندارد.

مشروعیت زندان از نظر عقل:

عقل حکم میکند بر اینکه حفظ نظام و کیان اجتماع واجب و لازم است و باید حقوق و مصالح عمومی، مورد حمایت و پاسداری قرار بگیرد و این موضوع می تواند دلیل بر فلسفه پیدایش زندان هم باشد- زندانی کردن شخص بدهکار نیز هر چند که به ضرر شخص اوست و با این قایده که: هر کسی بر جان و مال و دیگر شیون زندگی خود مسلط می باشد- منافات دارد، لکن از طرف دیگر آزاد گذاشتن او نیز امنیت همگانی را تهدید کرده و حقوق دیگران را ضایع میکند لذا عقل سلیم حکم میکند به اینکه رعایت مصالح عمومی جامعه بر رعایت مصالح افراد، مقدم می باشد و شخص بزهکار را به خاطر حفظ مصالح عمومی باید زندانی و محدود کرد. مبانی ص ۵۱-۵۳

به هر حال، زندان علاوه بر اینکه به عنوان یکی از انواع تعزیر در اسلام به رسمیت شناخته شده، و در روایات در فتوای فقهای نیز به مواردی تصریح گردیده است که برابر استقصای انجام شده به شرح ذیل می باشد:

۱. کسی که متهم به قتل شده است.
۲. کسی که موی سر زنی را بتراند.
۳. کسی که به ناحق دستور قتل کسی را صادر کند، که مباشر کشته می شود و دستور دهنده برای ابد زندانی می شود.
۴. بنده ای که به دستور مولایش کسی را بکشد، که دستور دهنده قصاص می شود و بنده تا پایان عمرش زندانی می شود، چون در روایت، بنده برای مولا به منزله شمشیر و تازیانه تلقی شده است.
۵. کسی که قاتلی را بعد از ثابت شدن جرم در محضر قاضی از دست صاحبان خود بگیرد و فرار دهد، که تا تسلیم قاتل به اولیای خون باید به زندان برود، و در صورت عدم دسترسی به قاتل و یا مرگ او، باید تمام دیه را بپردازد.
۶. کسی که انسانی را ننگه دارد و دیگری او را بکشد، که قاتل کشته می شود و ننگه دارنده تا لحظه مرگ در زندان می ماند، و بعضی از فقهای گفته اند که هر سال هم باید پنجاه ضربه شلاق بخورد همان گونه که اگر کسی ناظر قتل باشد باید هر دو چشمش با میل گذاخته شده و کور گردد
۷. کسی که بنده خودش را بعد از شکنجه دادن بکشد، که باید بعد از تحمل صد ضربه شلاق یک سال هم زندانی بشود و سپس بهای بنده را می پردازد که یا میان فقرا تقسیم میشود و یا عاید بیت المال می گردد.
۸. زن حامله ای که به چهار بار زنا اقرار کند باید تا اجرای حد رجم که بعد از وضع حمل خواهد بود زندانی شود.
۹. کسی که با یکی از محارمش زنا کند باید به گردن او یک ضربه شمشیر زده شود، چنانچه نمیرد باید تا پایان عمر زندانی شود.
۱۰. مادری که هیچگونه از عمل پلید زنا پروا نداشته باشد، فرزندش می تواند او را حبس کند، حتی در صورت لزوم به زنجیر هم ببندد.
۱۱. دزدی که بعد از دو بار دزدی کردن که دست راست و پای چپش بریده شده است هر گاه برای بار سوم دست به دزدی بزند، برای همیشه زندانی می شود، و چنانچه در زندان به دزدی بپردازد مجازاتش اعدام است.
۱۲. زن مرتد که برای ابد به زندان انداخته می شود و از نظر خوردنی و نوشیدنی در تنگنا قرار می گیرد و به انجام دادن خدمات سخت واداشته می شود و در اوقات نماز مورد ضرب واقع میگردد و لباس خشن به او پوشانده می شود و اگر شوهر دار باشد از او جدا ننگه داشته می شود و باید عده طلاق (سه ماه) ننگه دارد و به مجرد توبه از زندان آزاد می شود.
۱۳. کسی که از غیر حرز دزدی کند، که علاوه بر تحمل کتک به زندان برود.
۱۴. شخص بدهکار که از نظر افلاس و توانگری وضعیتش روشن نیست، باید به زندان برود، در صورتی که مفلس بودنش اثبات شد راهش باز گذاشته می شود.
۱۵. بدهکاری که با وجود دارا بودن از پرداخت بدهی سر باز می زند، باید تا پرداخت بدهی به زندان برود.
۱۶. کسی که به غصب مال مردم پرداخته است.
۱۷. کسی که مال یتیم را خورده است.
۱۸. کسی که به امانت خیانت کرده است.
۱۹. عالمانی که به فسق و فجور مشغول می شوند.
۱۹. کسانی که بدون داشتن اهلیت به طبابت می پردازند.
۲۰. کلاهبردارانی که بدون تنخواه لازم از مردم وام می گیرند.
۲۱. شاهد دروغگو که بعد از گرداندن در محله خودش و شناساندن او به مردم، چند روزی به زندان افکنده می شود.
۲۲. کسی که با زنش ایلا کرده است که بعد از گذشت چهار ماه یا باید با پرداخت کفاره به سوی زنش بگردد و یا او را طلاق دهد، در صورت نکول زندانی می شود تا یکی از آن دو را اختیار کند.

۲۳. کسی که علیه او اقامه بینه شده است، اما عدالت بینه بر حاکم ثابت نشده است، که با درخواست مدعی حاکم می تواند تا ثابت شدن عدالت بینه، او را زندانی کند.

۲۴. کسی که مدعی او علیه او شاهد واحد دارد، تا احضار شاهد دو سه روز زندانی می شود.

۲۵. کسی که علیه او ادعایی شده است و او را در دادن جواب عناد می ورزد و سکوت می کند زندانی می شود تا جواب دادن اعلام آمادگی کند.

۲۶. کفیل که تا حاضر شدن مکفول زندانی می شود.

۲۷. کسی که برای منع او از منکرات جزء حبس کردن راه دیگری وجود نداشته باشد.

علاقه مندان به اطلاعات بیشتر می توانند به کتاب: موارد الجن فی الضوابط والفتاوی (نوشته شیخ نجم الدین طیبی مراجعه نمایند).

زندان در طول تاریخ اسلام:

پس از اثبات ضرورت و مشروعیت زندان، برای این موضوع لازم است که زندان در اسلام، از چه دوره ای وجود داشته و تاریخ مشروعیت آن به کدام زمان بر می گردد، و برای روشن شدن این مسأله مناسب است به تاریخ زندان در ایران نیز اشاره شود تا یک مقایسه ضمنی بین زندان قبل از اسلام با زندان بعد از اسلام صورت بگیرد.

سیر تحول زندانها در ایران (قبل از انقلاب اسلامی):

((با اینکه راجع به وضع زندانهای ایران در دوران باستان، اسناد و مدارکی در دست نیست اما آنچه که مسلم است، در قلعه ها، زندانهای بنا میشد و پادشاهان و حکمرانان، مخالفین خود را در آنجا زندانی و سپس با وضع فجیع و رقتبارو در عین حال ظالمانه از بین ما بردند این قلعه ها را فراموشخانه یا قلعه فراموشی نیز میخواندند. حبس جز مجازات ها نبود، بلکه وسیله ای برای از بین بردن بی سرو صدای اشخاص بلند مرتبتی بود که وجودشان برای پادشاهان خطر داشت که حکایت آنان را تاریخ در سینه خود حبس کرده است. قدیمی ترین زندان بزرگ در تهران، زندانی بنام انبار شاهی بود که زیر نقارخانه ارک (محل فعلی بانک ملی شعبه بازار) قرار داشت وزیر نظر حاجب الدوله (رییس تشریفات) اداره میشد، در سال ۱۲۹۲ شمسی دولت ایران به منظور سرو سامان دادن به وضع نظمیه (شهرداری کشور) عدهای مستشار از کشور سوئد، استخدام کرد، آنها ابتدا نظامنامه مجالس (آیین نامه زندانها) را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ (ش-۵) به تصویب هیات دولت رسید در این آیین نامه زجر بدنی، و زنجیر کردن (که قبلا معمول بود) ممنوع گردید.

در سال ۱۳۰۸ شمسی اولین زندان ایران (زندان قصر) جهت نگهداری ۶۰۰ محکوم، بنا گردید، پس از شهریور ۱۳۳۰ تحت تاثیر علل ناشی از جنگ جهانی دوم به تعداد بزهکاران، مانند اکثر کشورهای جهان، افزوده شد. در ۲۱ مهر ماه ۱۳۴۷ اولین آیین نامه زندانها با توجه به اصول علم زندانها به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴ آیین نامه مذکور اصلاح شد ولی به علت عدم امکانات، اکثر مفاد آن اجرا نشد. قبل از انقلاب اداره زندانها، را شهرداری کل کشور که وابسته به وزارت کشور بود، بر عهده داشت پس پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تغییرات اساسی در ایران به وجود آمد از جمله، تغییر در زندانهای کشور را به دنبال داشت و بر اساس مصوبه شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ زندانها از شهرداری منفک و به وزارت دادگستری واگذار گردید و کلیه زندانها و مؤسسات وابسته به آنها در سراسر کشور تحت نظر سرپرستی منتخب شورای عالی قضایی با نظارت دادستان کل کشور قرار گرفت و سپس در ۶ بهمن ۱۳۶۴ با تصویب مجلس شورای اسلامی، عنوان سرپرستی زندانها، به سازمان زندانها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور تبدیل شد.

در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ آیین نامه زندانها، تحت عنوان آیین نامه امور زندانها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور جمهوری اسلامی ایران، توسط شورای عالی قضایی کشور، تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد. در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۲۹ آیین نامه و مقررات زندانها در ۱۸ ماده و ۴۴ تبصره به تصویب ریاست دیوان عالی کشور رسید. در تاریخ ۱۳۷۲/۱/۱۵ آیین نامه و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور ۲۵۴ ماده و ۹۶ تبصره به تصویب ریاست قوه قضاییه رسید و کلیه آیین نامه های سابق لغو گردید. در ماه حاضر آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمین و تربیتی که مشتمل بر ۲۴۷ ماده و ۱۰۸ تبصره است در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۰ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و لازم الاجرا شد و آیین نامه مصوب ۱۵/۱/۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی لغو گردید.

زندان در تاریخ اسلام :

صاحب کتاب ((احکام زندان در اسلام)) در این زمینه چنین می نویسد: اقوال تاریخ نگاران در مورد زندان، در عهد رسول اکرم، و دوران خلفا، بسیار مظطرب و مختلف است (نظر واحد وجود دارد) تقریباً مسلم و محرز است که در زمان پیامبر(ص) و دوران ابابکر، ساختمان مخصوصی برای زندان وجود نداشته است و بعضی ها معتقدند در زمان خلیفه دوم، عمر خانه ای را از صفوان به چهارده هزار درم خرید و به زندان اختصاص داد یعنی اولین کسی که در اسلام زندان ساخته است، محلی را اختصاص نداده بودند و چون در آن زمان، وضع اجتماعی گسترده ای نداشته اند، لذا اسیران را یا در مسجد به طور موقت نگهداری می کردند و یا آنان را در میان مسلمین تقسیم می کردند.

همین مؤلف از دکتر صبحی صالح در کتاب: النظم الاسلامیه ص ۳۳۱ نقل می کند که: در زمان پیامبر و ابی بکر جایی را در تاریخ به نام زندان نمی شناسیم، در آن دوران متهم را در مسجد حبس می کردند و طرف دعوی او و یا نماینده اش را، همراه او قرار می دادند تا نتواند دست به فرار بزند.... تا اینکه در زمان عمر بن خطاب محلی برای حبس مجرمان تعیین شد. بعضی ها گفته اند در زمان عمر و عثمان نیز زندانی مشخص نبوده تا اینکه برای اولین بار در اسلام، علی (ع) اقدام به تأسیس اصلاحی زندان کرد. آن حضرت آنجا را با بوری ساخت و اسم آن را ((ناف)) گذاشت ولی مجرمین و زدها سوء استفاده نموده آنجا را سوراخ نموده و فرار کردند لذا حضرت زندانی با دیوارهای گلی (گچ و آجر) بنا نمود و اسم آنجا را (حبس) گذاشت. پس بنابراین و طبق نظر بعضی های دیگر زندان نافع و بعد از آن زندان (حبس) از نخستین زندان های اصلاحی بودند که در اسلام به وجود آمدند و اینکه گفته شده است عمر بن خطاب خانه ای را در مکه خرید و به زندان اختصاص داد، مورد تأیید بسیاری از مورخان نمی باشد. پس صاحب کتاب احکام زندان در اسلام. در پایان چنین نتیجه گیری میکند که: آغاز تاریخی زندان در اسلام، میان عمر بن خطاب که بعضی از مورخان آن را پذیرفته اند و عهد علی بن ابیطالب که بسیاری از تاریخ نگاران بر آنند، مردد میباشد. مؤلف کتاب: مبانی فقهی حکومت اسلامی که یکی از فقهاء امامیه معاصر می باشد در جلد ۴ ص ۵۳ چنین می گوید: زندان در زمان خود پیامبر اسلام رایج و معمول بوده است. و لکن مفهوم زندان، مرادف و ملازم با این نبوده است که جایگاه ویژه ای با خصوصیات معینی بوده باشد بلکه

زندانی کردن افراد، گاهی در خانه و گاهی در مسجد و گاهی نیز در دهلیز و پیش ورد خانه ها و یا در مکانهای دیگر صورت می گرفته است و منظور این بوده است آزادی های فرد بزهکار محدود شده و از آمد و شدی آزادانه او جلوگیری شود. اما اینکه در تاریخ اسلام اولین بار چه کسی زندان ساخت و مکان ویژه ای را به آن اختصاص داد، سخن زیاد گفته شده است که آیا بانی زندان در اسلام عمر بوده یا اینکه زندان علی (ع) میباشد.

نظام زندانها در دوره امویان:

از آنجا که خط ولایت بعد از رحلت رسول گرامی اسلام(ص) به انحراف کشیده شد و افراد نالایق و ضعیف، وهوابرست، پست های کلیدی حکومت را بدست گرفتند. به تدریج تعلیمات و آموزه های دینی و سنت و سیره پیامبر، کم رنگ شد و قوانین حدود الهی دچار تغییر و تحول گشت، خصوصا از زمانی که خلافت به عثمان رسید. او اموی بود لذا دست اموی ها را در حکومت و خلافت باز گذاشت و همه چیز را بر اساس منافع خود اداره می کردند و احکام شریعت خصوصا در زمان معاویه و پس از آن دستخوش تغییرات گردید. و این احکام قضاوت دستگاه قضایی نیز از این تغییرات جان سالم به در نبرد. لذا هر کسی که به هر بهانه ای باز داشت ما کردند و او را تا مرگش فرار رسد و یا حکومت تغییر کند تا بتواند آزاد شود. و خلاصه اینکه نظام نه بازداشت و نه در حبس و نگهداری در زندان و نه برای آزاد شدن زندانی وجود نداشت. خصوصا در زمان حجاج بن یوسف ثقفی که در کوفه زندانی ساخت که مسعودی تاریخ نگار معروف در کتاب مروج الذهب ج ۲ ص ۱۵۷ آن زندان را اینگونه تعریف می کند:

در زندان حجاج مردان و زنان با هم در مکان واحد نگهداری می شدند، محل زندان پوششی نداشت که از گرما و سرما حفظ کند. انواع شکنجه و آزار وجود داشت، گفته شده است که چندی حجاج سوار بر اسب به نماز جمعه می رفت که ناگهان ناله و فریادی به گوشش رسید، سوال کرد، پاسخ دارند زندانیان هستند که از شدت ناراحتی به صدا در آمده و ناله سر داده اند. حجاج رو به زندانیان کرد و گفت: اخصو و تکلمون خفه شید و حرف نزنید. عرب کلمه (اخصاء) را در مورد سگ به کار می برد، یعنی...

خوراک زندانیان در زندان حجاج نان جویین بود که با نمک و خاکستر مخلوط می شد و هیچ کس مدت کوتاهی در آنجا نمی ماند مگر اینکه رنگ رخسار تغییر میکرد. نقل شده است پسر بچه ای را در آنجا زندانی کردند بعد از چند روز مادرش برای ملاقات آمد، هنگامی که با فرزندش روبرو شد او را نشناخت و گفت این فرزند من نیست، پسر گفت: نه مادرم، سوگند به خدا که من فرزند تو هستم و اسم پدر و مادرش و نام پدر خودش را گفت مادر وقتی یقین کرد که او فرزند اوست، فریادی کشید. احکام زندان ص ۳۹۷-۹۶. البته باید دوره خلافت عمر بن عبدالعزیز استثنا کرد زیرا او در دوران حکومتش کارهای مثبت فراوانی انجام داده است. و در مورد زندانیان هم سعی داشت اداره زندانها بر اساس احکام شریعت باشد.

زندان ها در دوران بنی عباس

زندانها و رفتار با زندانیان در دوره بنی عباس به مراتب بدتر و فاجعه آمیز از دوره بنی امیه است زیرا که انواع شکنجه و اذیت و آزار و اعمال قساوت بار ظهور کرد که در گذشته تاریخ اسلام سابقه نداشته است.

یکی از کارهای معمول و متعارف این بود که: تمام منقذهای بدن زندانی را با پنبه مسدود میکردند و سپس از طریق مقعد زندانی آنقدر باد به بدن وارد میکردند که متورم می شد و آنگاه با تازیانه می زدند بطوریکه اجزا بدن متلاشی میشد یا اینکه دو چشم زندانی را در می آوردند و به جایش سرب می ریختند و احکام زندان ص ۴۱۳ - ۴۱۴.

دیدگاههای درباره زندان:

روایتی که از اظهار (ع) و سایر معصومین درباره زندان وارد شده است، در مجموع دو گروه هستند. گروه اول: روایاتی هستند که بگونه مطلق و کل مسأله زندان را بطور مجمل و یا در مدتی معینی، بیان کرده اند.

گروه دوم: مواردی را که زندان ابد تا دم مرگ و یا تا هنگام توبه را در بر میگیرد، ذکر نموده است. و از آنجا که تعداد روایات در این موضوع زیاد است از هر گروه، به نمونه هایی اشاره می کنم:

روایت گروه اول: مرحوم کلینی و شیخ طوسی با سند های معتبر از امام صادق (ع) روایت کرده اند که فرمود: شیوه پیامبر اسلام در خون بر این بود که: شخص متهم را ۶ روز زندانی میکرد، اگر در آن مدت اولیا شخص مقتول، دلیل برای اثبات اتهام می آوردند (شخص زندانی را آزاد نمی کرد) در غیر اینصورت او را از زندان آزاد میکرد. (وسایل ج ۱۹/۱۲۱ باب ۱۲ حج ۱ مبنای ص ۱۴۸ ج ۴) نکته:

مسأله خون در اسلام بسیار مهم است.

2. شهید اول در (قواید و فواید) فرموده است ((شش روز)) تعیین دارد. و نگه داشتن بیش از شش روز در زندان جایز نیست.

3. صاحب وسایل الشیعه از کتابهای: ((من لا یحضره الفقیه)) و ((تهذیب)) چند روایت کرده است.

علی (ع) فرمود: بر امام واجب است که عالمان فاسق، پزشکان نادان و بیسواد (غیر متخصص) و دلالان و واسطه های مفلس و کلاهبردار زندانی کند. (وسایل ج ۱۸ را باب ۳۲ ح ۳)

چون که روایات فراوان است به ذکر فهرست موارد آنها بسده می کنیم.

1. روایت اول در مورد اتهام خون و قتل بود.
2. روایت دوم در مورد سه گروه: علما فاسق- پزشکان بیسواد-دلالهای کلاهبردار
3. خورنده مال یتیم، خاین در امانت
4. بدهکار سهل انگار و مدعی ورشکستگی
5. شوهر صاحب مالی و ثروتی که از پرداخت خرجی همسرش خودداری میکند.
6. زندانی کردن کفیل تا هنگام حاضر کردن شخصی و یا وجه مورد کفالت.
7. زندانی کردن افراد برای گرفتن حقوق مردم خدا بطور کلی مثل زندانی کردن نجاشی شاعر را که در ماه مبارک رمضان کرده بود نزد علی(ع) آوردند حضرت هشتاد ضربه تازیانه بر او زد پس او را یک شب در زندان نگه داشت و فردا نیز او را فرا خواند و بیست ضربه دیگر نیز به او زد. نجاشی به حضرت گفت یا امیر المومنین هشتاد ضربه را بخاطر بر من زدی و دیگر این ضربه برای چیست؟ حضرت فرمود: بخاطر اینکه جسارت به خرج دادی و حرمت ماه رمضان را شکسته ای.

۸. کف زن- جیب بر- گور شکاف- شرور مهاجم
 ۹. شهادت و گواهی ناحق.
 ۱۰. کسی که موی سر زنی را بتراند.
 ۱۱. زندانی کردن مادر زنا کار توسط فرزندان
 ۱۲. چاقوکشی همراه مستی
 ۱۳. قاتل عمدی که قصاص نشود.
 ۱۴. زندانی کردن اسراء جنگی
 ۱۵. کسی که غلام خود را چنان آزار دهد که بمیرد
 ۱۶. زندانی کردن مرتد تا آنگاه که توبه کند.
 ۱۷. محبوس کردن دزد بعد از بریدن دست برای معالجه و...
- گروه دوم از روایات مربوط به زندان: این گروه از روایات مربوط به زندان ابد است که دم مرگ و یا هنگامی که توبه کنند باید در زندان بمانند. لکن تعداد این روایات هم زیاد است و ما فقط موارد مورد اشاره آن روایت بسنده می کنیم و فهرست وار موضوعات آنها را ذکر می کنیم.
۱. کسی که برای سومین بار دزدی کند.
 ۲. زن مرتد
 ۳. از موارد زندان ابد: ایلا کننده درگاه که از رجوع خودداری کند.
 ۴. دستیار قتل
 ۵. کسی که فرد آزادی را به کشتن شخصی دیگر فرمان دهد.
 ۶. از موارد حبس ابد- شخص مملوکی که به فرمان آقای خود، کسی را کشته باشد.
 ۷. از موارد حبس ابد- کسی که قاتل را از چنگ اولیاء مقتول، فراری دهد.
 ۸. از موارد حبس ابد- مثله کردن یا (صورتگری) مجسمه سازی: منظور تبلیغ فرهنگ بت پرستی است. و یا شاید منظور این باشد که شخص خاطی از دین عمل خود دست نمی کشد و ادامه می دهد.
 ۹. از موارد حبس ابد- منجمی که به کار خود اصرار ورزد.
 ۱۰. از موارد حبس ابد- کسی که با خوهر خود موافقه کرده و در اثر ضربت نمیرد.

قوانین زندان در اسلام (حقوق زندانیان):

از مجموع مسائلی که در ابواب مختلف فقه اسلامی در مورد احکام و حقوق زندانیان مطرح شده و از لابلای روایات و سیره و رفتار معصومین بدست می آید این است که: مراعات حال زندانیان در نیازهای مادی و معنوی و کوشش برای آزادی آنان و نیز همت در گماشتن به ایجاد در تسهیلات و امکانات برای آنان در حدی که به هدف کیفری زندان خدشه وارد نکنند، واجب است و لذا در چهار محور و موضوع به بحث می پردازیم:

۱. توجه و دقت در حال زندانیان:
 ۱. با توجه به اینکه در همه عصرها، زندانها، زیر نظر قوه قضاییه قرار داشته است، از این رو فقها اسلام در مبحث ((آداب قضاء)) ذکر کرده اند که از جمله وظایف اولیه هر قاضی که نخستین بار به قضاوت منصوب می شود این است که در مورد زندانیانی که به حکم قاضی قبل محکوم و زندانی شده اند، توجه درباره آنان دقت کند تا با رسیدگی او در زندان بماند، بیشترین فقهاء شیعه و سنی به این مطلب تصریح کرده اند.
۲. مراعات نیازمندیهای زندانیان:
 ۱. بر امام مسلمین واجب است که نیازمندی های زندانیان در زمینه های مادی و معیشتی مثل خوراک، دارو، هوای پاک، پوشاک تابستانی و زمستانی و دیگر نیازمندیها و تسهیلات لازم را فراهم آورد. ((شیوه خلفا بر بوده که نیازمند یهای زندانیان مانند تغذیه مناسب و پوشاک تابستانی و زمستانی را فراهم می آوردند نخستین کسی که به این عمل اقدام کرد علی ابن ابیطالب (ع) بود و سپس خلفا بعدی به این شیوه ادامه دارند.)) در کتاب احکام المجون چنین آمده است: ساختمان زندان باید به گونه ای باشد که باد خور و هوا خور باشد و از گرما و سرما، حفظ کند و آسایش طبیعی را برای زندانیان فراهم آورد.
 ۲. از جمله امور مهمی که باید به آنان توجه داشت این است که: ((زنی که از همسرش به علی شکایت کرد و آن حضرت دستور زندانی شدن آن مرد را صادر کرد... آن مرد گفت زخم را نیز با زندانی کن! حضرت فرمود این حق توست! و به زن فرمود همراه او برو.)) مبنای به نقل از مستدرک الوسائل ج ۲/ ۹۷/ ۴ باب ۶ حدیث ۳)
۳. ضامن بودن زندانیان در صورت کوتاهی و زیاده روی:
 ۱. اگر زندان در حفظ امنیت و تامین نیازمندیهای ضروری زندان مثل خوراک، دارو بهداشت و... کوتاهی کند و در اثر این کوتاهی زندانی بمیرد و یا بیمار شود، در این صورت شرعا مسیول مربوطه ضامن است و باید قصاص شود و یا اینکه در صورت عمدی نبودن این کوتاهی، دیه او را بپردازد و در این مورد فقهاء شیعه و سنی سخنان زیادی دارند که از نقل آنها خودداری میشود.
۴. لزوم مراعات شیون دینی و مذهبی زندانیان:
 ۱. در کتاب: ((احکام السجون)) چنین می گوید: روایات و گزارشهای تاریخی که خوانندگان می توانند آنها را در کتابهای تاریخ،

ادبیات، سیره و کتب فقهی، ملاحظه کنند، مجموعاً بر این دلالت دارند که: عبادت‌های دینی، آداب و تهذیب نفس و آموزش‌های قرآن و نیز مطالعه و تحقیق، در زندان‌های (۰ نافع و مخیس)) مورد رعایت و معمول بوده است. ... امیر المومنین کسایی را که در انجام وظایف دینی سستی و اهمال به خرج می‌دادند، حزیر می‌نمود. با این حال آنان را مشمول رأفت خود قرار می‌دادند. در پرتو این اقدامات آن حضرت است که فقها تجویز کرده‌اند که زندانی را به خاطر تشییع جنازه نزدیکانش از زندان بیرون آورند و یا در نماز عیدین (اعیاد فطر و قربان) و نماز جمعه حاضر نمایند. و چنانچه زندانی بیمار شد و پرستاری در زندان برای او پیدا نشد و مرخصی خطرناک باشد، او را در خانه اش معالجه نمایند.

صاحب کتاب: احکام السجون ص ۲۷۶ به نقل از دکتر عطیه مصطفی مشرفه می‌گوید: نخستین کسی که از خلفا راشدین در مورد خوراک و پوشاک تابستانی و زمستانی زندانیان مقرراتی وضع کرد و اهتمام به خرج داد، امام علی (ع) بوده است. چنانچه زندانی صاحب مال و ثروت بود احتیاجات او را از مال خودش تامین می‌کرد و در غیر این صورت از بیت المال برای او خرج می‌نمود تا شر او را از سر مردم کم و کوتاه کند. سپس ایشان به نقل از کتاب دیگری چنین ادامه می‌دهد: در حدیث دیدیم علی مرتب از زندانها بازدید می‌کرد و از احوال زندانیان، جستجو می‌نمود و این سیره و روش علی (ع) در مورد زندانیان پایه ای شد که ایامه (ع) و فقها طبق آن پایه گذاری کردند و لذا مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعه (یکی از منابع معتبر و مهم حدیثی و فقهی شیعه) ج ۵ ص ۳۶ با سند خودش از امام صادق (ع) نقل می‌کند: بر امام واجب است که زندانیان را دزر روزهای جمعه و عید از زندان بیرون آورد و به نماز بفرستد و بعد از پایان نماز دوباره به زندان بازگرداند. سپس ایشان در ادامه چنین آورده است که: واجب است رفتار با زندانیان پسندیده باشد و نیز از بند کشیدن آنان نهی شده است (مگر اینکه بیم فرار در بین باشد) همچنین نباید آنان را مورد ضرب قرار داد (مگر اینکه اجرای حد در مورد آنان مقرر شده باشد) در صورتی که بدهکار باشد باید اجازه داد که از زندان بیرون بیاید و با طرف دعوا مخاصمه نماید (تکلیف خود را روشن کند) و اصولاً کسی که بین زندانی و همسرش حایل شود، گناهکار است. خصوصاً با توجه به این امر که اسلام زندان را جز در حالات تفریز نمی‌پذیرد. در پایان صاحب کتاب مورد اشاره در ص ۲۷۹ همان کتاب به نقل از ابن عابدین چنین می‌نویسد: به زندانیان اجازه داده شود که در خارج زندان، به کسب و کار مشغول شوند. یا بتوانند در تشییع جنازه خویشان دور و نزدیک شرکت کنند.

با توجه به مطالب یاد شده باید در نظر داشت که زندان از دیدگاه شریعت و اسلام موضوعی است که باید در مورد آن دقت و عنایت بیشتری شود و در توجیح زندانیان و اصلاح حال آنان و ریشه یابی انحرافاتشان که موجب ارتکاب جرم و بزه گردیده، سعی و تلاش کارشناسانه به عمل آید، تا زندانی دوباره با جرم و بزه جدید به زندان باز نگردد.

مروری بر مجازات زندان از دیدگاه شرعی و فقهی:

اگر چه از مطالب مطرح شده و موضوعاتی که تشریح شد، دیدگاه روایات و ایامه (ع) نسبت به اصل حبس و حقوق و احکام آن تا حدودی روشن گشت، مع الوصف در این قسمت، مروری مجدد بر مجازات زندان از دیدگاه شرع می‌نماییم. و چون امروزه و در عصر غیبت امام عصر (ع) نظرات ایامه در قالب نظرات کارشناسانه فقها عظام تجلی می‌یابد، لذا در این بخش مواردی که از نظر فقهی، زندان در آن قید شده ذکر می‌کنیم.

این بحث در دو محور قابل طرح است: ۱. بازداشت قبل از حکم دادگاه و حاکم ۲. بازداشت بعد از حکم دادگاه
اما بازداشت قبل از حکم دادگاه: این مسیله را فقها بزرگ اسلام را در دو مورد مطرح کرده‌اند ۱. در مورد قتل ۲. در مورد دین و بدهی در مورد اول بین فقها دو نظر وجود دارد. نظریه اول از آن شیخ طوسی و پیروان ایشان است، ایشان در کتاب نهایی می‌گویند: در صورتی که کسی به قتل متهم شود، بنا به درخواست ولی دم تا شش روز می‌توان بازداشت نمود تا ولی دم دلایل و مدارک و شواهد خود را ارایه نماید و پس از پایان شش روز (احتمالاً به دلیل نبود دلایل) آزاد می‌شود و مستند شیخ بزرگوار روایتی است که محمد سکونی از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمودند: پیامبر (ص) در تهمت خون شش روز بازداشت می‌نمود و اگر اولیا مقتول دلیلی که ادعا را ثابت کند، اقامه می‌کردند، حکم می‌فرمود و در غیر اینصورت، متهم را آزاد می‌کرد. (وسایل شیعیه ج ۱۹- کتاب القصاص- ابواب دعوی القتل- باب ۱۲- حدیث ۱)
اکثر فقها در این فتوا از نظر شیخ، پیروی کرده‌اند و حتی بعضی‌ها گفته‌اند تا سه روز بازداشت می‌شود و فتوا حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در کتاب فقهی تحریر الوسیله- کتاب القصاص- مقصد سوم، مساله ۹ چنین است: اگر ولی دم از حاکم بخواهد متهم به قتل را حبس نماید تا شاهد بیآورد ظاهراً جایز است، اجابت ولی دم (مگر اینکه که مطمئن باشیم که فرار نمی‌کند که در اینصورت جایز نیست بازداشت او و در صورت نبود چنین اطمینانی، جایز است زندانی کردن او و چنانچه ولی دم تا شش روز اقامه بنیه نکرد، متهم آزاد می‌شود.)
و اما نظریه دوم: نظریه محمد ابن ادریس حلی در سرباير و عده دیگر از جمله شهید دوم در کتاب جمعه و نیز محقق حلی در شرایع الاسلام است این نظریه می‌گوید متهم را حتی یک روز هم نمی‌توان بازداشت کرد تا جرم کسی ثابت نشده نمی‌توان آزادی کسی را سلب نمود و او را بازداشت کرد و شاید اصل لایحه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم از همین نظریه الهام گرفته است که می‌گوید: اصل بر برایت اشخاص است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.
پس نتیجه می‌گیریم که در قتل که بزرگترین جرم است بیش از شش روز نمی‌توان بازداشت نمود، پس در جرایم دیگر به طریق اولویت، نمی‌توان بازداشت طولانی نمود.

اما در مورد دوم (بازداشت به علت عدم پرداخت بدهی): مرحوم شیخ اول در کتاب الدینمی فرمود: ((و مدیون، حبس می‌شود اگر ادعای اعسار نماید تا اعسار او ثابت شود و زمانی که اعصار او ثابت شد، او آزاد می‌شود. سپس از حضرت علی (ع) روایت کرده که حضرت شخص مقصر را در اختیار طلبکاران، می‌گذاشت و می‌فرمود: اگر خواستید او را در اختیار دیگران قرار دهید تا کار کند و از مزد او طلب خود را بردارید و اگر خواستید خودتان از او کار بکشید و مزد او را بابت طلب خود حساب کنید.)) این روایت دلالت می‌کند که شخص بدهکار واجب است کار کند تا بدهی خود را بپردازد. در روایت دیگری از علی (ع) وارد شده که: زنی از شوهرش راجع به ترک انفاق، شکایت کرد و آن مرد معیر بود، حضرت آن مرد را زندانی کرد و این آیه را خواند (ان مع العسر یسرا) از این روایت استفاده می‌شود که همزمان با رسیدگی به شکایات خواهان، می‌توان به اعسار مدیون هم رسیدگی نمود و الزامی ندارد که مدیون زندانی شود تا اعسار او ثابت گردد.

در روایت غیث ابن ابراهیم از امام جعفر صادق (ع) از پدرش امام محمد باقر (ع) که فرمود: علی (ع) در باب دین و بدهی، حبس می‌کرد تا زمانی که اعسار و احتیاج مدیون ثابت می‌شد، او را آزاد می‌کرد تا جهت پرداخت بدهی خود تحصیل مال کند. از قید آخر این روایت (تا تحصیل مال کند) فهمیده می‌شود پس از اثبات اعسار مدیون با تعهد به پرداخت دین، آزاد کنند، یعنی کار می‌کند و به تدریج تحصیل مال نموده و دین خود را ادا نماید و این با تقسیط دین مناسب است. ... و چنانچه مدیون به هیچ وجه نتواند دین خود را ادا کند از بیت المال پرداخت می‌شود. روایات در کتاب وسایل الشیعه ج ۱۳- کتاب الصحر الباب ۷- و ابواب الدین و القرضی مراجعه شود).

2. بازداشت بعد از حکم دادگاه: یعنی مواردی که جرم ثابت شده و زندان به عنوان مجازات تعیین شده است. ۱. حد سرقت: از روایات و فتوای فقها چنین بر می آید که دزدی تا دو بار زندان ندارد بلکه حد قطع دست و بار سوم حبس ابد و بار چهارم اعدام است. ۲. حد مرتد: امام راحل در تحریر الوسیله می فرماید: زنی که مرتد شده چه ملی و چه فطری، اعدام نمی شود بلکه حبس می گردد و در اوقات نماز تازیانه می خورد و زندان را بر او سخت می گیرند و اگر توبه کند، توبه او قبول است و از زندان آزاد می شود و بهمان صورت اول در اوقات نماز تازیانه می خورد تا بمیرد و مرتد ملی اگر مرد باشد او را تا سه روز توبه می دهند و اگر بعد از سه روز توبه نکند روز چهارم اعدام می شود.

3. ممسک در قتل یعنی شخصی، کسی را بگیرد تا دیگری او را بکشد، حبس ابد می شود...
4. حبس تعزیری که سه مورد برای آن در روایات بیان شده است ۱- مردی که مال یتیم را به نا حق خورده ۲- مردی که مال یتیم را غصب کرده ۳- مردی که امانتی به او سپرده شده و او خیانت کرده است (وسایل الشیعه ج ۱۸ کتاب الحدود و التعزیرات و کتاب القضاء باب ۲۶- حدیث ۲) و در روایت دیگری از علی (ع) نقل شده که فرمود: واجب است بر امام که حبس کند علما فاسق و پزشکان جاهل (غیر متخصص) و ورشکستگان به تقصیر راه از محدود کم بودن عناوین ذکر شده می توان استنباط کرد که باید کوشش کرد که از مجازات زندان کمتر استفاده شود و از زندان زیاد و طولانی باید پرهیز کرد. و در خصوص مهریه زنان فتوایی از حضرت آیه اله مکارم شیرازی صادر شده که راه را گشاده است ایشان می فرماید: مهریه های کلان (۱۲۴ هزار سکه) و حتی کمتر از آن باطل است و تبدیل به مهر المثل می شود. منظور این است که: تعیین این نوع مهریه، از روی قصد جد و واقع نیست بلکه صوری و فقط برای تظاهر است مثلا کسی که درآمد او ۲۰۰۰۰۰ هزار تومان است و امید به صد میلیون تومان ندارد آیا به نمایشگاه اتومبیل مراجعه می کند که ماشینی صد میلیون تومانی بخرد؟ پاسخ منفی است، مهریه های کلان برای افراد کم درآمد، مشابه همین داستان است. مضافا بر اینکه معامله سفهی است و در قانون مدنی، چنین معامله هایی، باطل درج شده است. و در نتیجه زندانی نمودن فردی به عنوان عدم پرداخت چنین مهریه ای، مشروع نیست. مطالب این فصل از مقاله ای تحت عنوان گذری بر مجازات زندان از دیدگاه شرع./

منبع: اداره کل زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی استان قزوین www.qazvinprisons.ir